

غزل شماره ۲۲۸

کر من از باغِ تو یک میوه بچینم چه شود؟
پیش پایِ به چراغِ تو بسنم چه شود؟

یارب اندر کفِ سایه آن سرو بلند
کر من سوخته یک دم بشنم چه شود؟

آخر ای خاتمِ جمشیدِ مایون آثار
گر قندِ عکسِ تو بر نقشِ نکینم چه شود؟

واعظِ شهرِ چو مہرِ ملک و شخہ کُزید

من اگر مہرِ گاری بکُنیم چه شود؟

عظم از خانہ بہ در رفت، و گری این است

دیدم از پیش کہ در خانہ دینم چه شود

صرف شد عمرِ کرانیہ بہ معشوقہ و می

تا از آنم چه بہ پیش آید، از اینم چه شود؟

خواجہ دانست کہ من عاشقم و ہیج نگفت

حافظ از نیربِ داند کہ چُنیم چه شود؟

تفسیر فال

با خیالبافی و حسرت کشیدن، نه تنها به هیچ مقام و منزلتی دست نخواهی یافت، بلکه در واقع از مسیر رشد و تعالی خود نیز دور می‌مانی. این روش تفکر در نهایت به جای عقل و خرد، جهالت را بر تو حاکم می‌کند و ایمان و اعتقادات را به تدریج تضعیف خواهد کرد. عمر عزیز خود را که سرمایه‌ای گرانبهاست، بیهوده صرف کرده‌ای بدون آنکه به نتایج ملموس یا پیشرفت‌های معناداری دست پیدا کنی. بنابراین ضروری است که به واقعیات زندگی توجه کنی و رویاهای غیرعملی را از ذهن خود پاک کنی. پرداختن به واقعیات نه تنها راهگشای مشکلات فعلیات خواهد بود، بلکه تو را در مسیری صحیح برای نیل به اهداف والاتر هدایت خواهد کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)